

## نقده نفرت قومی - مذهبی دوران سپری شده! یا خطری در دست مشترک قومپرستان و جمهوری اسلامی؟!؟

صفحه ۳



## یادداشتهای هفته

عبدال گلپریان

صفحه ۴

## نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۵

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

تهیه و تنظیم: عزیزه لطف الهی

## مرتضی مراد پور باید آزاد شود!

صفحه ۶

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

## عملیات تروریستی در اردوگاه حزب دمکرات کردستان را محکوم میکنیم

صفحه ۶

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

## تصرف حلب و رقابت دو قطب جهانی و منطقه ای (بخش دوم)

محمد آسنگران

### عروج روسیه و جهان چند قطبی

منطقه هر کدام میخواستند بعد از شکست بلوک شرق سهمی از قدرت و ثروت و منطقه نفوذ به آنها برسد و آمریکا حاضر به قبول شریک قدرتمند نبود و کمتر از فرماندار جهانی برای خود در نظر نداشت. دوم اینکه بحران اقتصادی جامعه سرمایه داری اگرچه مزمن و طولانی مدت شده بود اما موقعیت آمریکا را بیش از کشورهای دیگر تحت تاثیر قرار داده بود. در سال ۲۰۰۸ ضربه کاری این بحران و تحولات وال ستريت بیش از پیش آمریکا را زمین گیر کرد.

اگر بخواهیم مختصرا تاثیر این دو فاکتور فوق را بررسی کنیم فاکتور افول موقعیت اقتصادی آمریکا و عروج غول اقتصادی چین از مهمترین فاکتورهای بنیادین محسوب میشود. اما تاثیر این فاکتور بنیادین حتی به چین هم محدود نیست بلکه قدرتهای دیگر جهانی رو به رشد مانند اروپا و قطب اقتصادی آسیا و... آینده بزرگترین مرکز اقتصاد جهان یعنی آمریکا را با ابهام و بی اعتمادی مواجه کرد. اگرچه تاثیر آن تدریجی و پوشیده بنظر میرسد اما ابعاد بسیار مهمتری دارد. در همان حال موقعیت نظامی و سیاسی که برجسته تر و عیانتر به نظر میرسد هم چندان به نفع آمریکا تمام نشد. حمله آمریکا به عراق علاوه بر

صفحه ۲

عروج مجدد روسیه به عنوان قدرتی جهانی نتیجه قدرتگیری و تحول بنیادین در موقعیت سیاسی اقتصادی و نظامی خود روسیه نبود. شکست آمریکا در شکل دادن نظم نوین جهانی بعد از پایان جهان دو قطبی، باعث شد روسیه دوباره عروج و ادعای سهم کند. ناگفته نماند روسیه بعد از يك دوره تحقیر شدن از طرف غرب با اتکا به ناسیونالیسم روس به تکاپو افتاد که موقعیت قدرتی گذشته خودش را دوباره باز یابد. با این حال روسیه تنها قدرتی نیست که اکنون ادعای سهم در تقسیم مناطق نفوذ در جهان دارد.

در کنار روسیه، چین و اروپا هم به عنوان دو قدرت جهانی همین ادعا را به نوع دیگری دارند. آمریکا با جنگ اول و دوم خلیج، و سرنگونی طالبان در افغانستان و صدام در عراق هدفش این بود که بتواند از راه قدرت نظامی به تنها کشور قدرتمند نظم نوین جهانی بعد از جنگ سرد تبدیل شود. آمریکا در رسیدن به این موقعیت به دو دلیل شکست خورد. اول اینکه جهان وارد دوره تاریخی تازه ای بعد از شکست بلوک شرق شده بود و کشورهای غربی و متحدین منطقه ای آمریکا در

## به کنگره ما بیاید!

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری در ماه مارس ۲۰۱۷ برگزار میشود

از صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ تصرف حلب و رقابت دو ...



مخالفت میلیونها مردم در سال ۲۰۰۳ که در پوشش اعتراض به جنگ به میدان آمدند با مخالفت قدرتهای مهم جهانی و حتی متحدین سنتی آمریکا هم مواجه شد. این مخالفتها بویژه هنگامی تاثیراتش عیان گردید که به عواقب شکست آمریکا در عراق نگاهی بیندازیم.

## پیامدهای شکست آمریکا در عراق

شکست آمریکا در جنگ عراق هنگامی عیان شد که این کشور نتوانست به نظم نوین مورد نظرش دست یابد. نتوانست "خاور میانه بزرگ" را شکل بدهد. نتوانست اشغال کشور عراق بعد از صدام حسین را به الگوی حملات بعیدیش تبدیل کند. نتوانست نه تنها به ژاندارم جهان بلکه به ژاندارم فرماندار خاورمیانه و حتی شیخ نشینهای حاشیه خلیج هم تبدیل شود. این شکست برای آمریکا ساده نبود. جهانیان در نتیجه این تحولات، ابرقدرت قدری را دیدند که میخواست فرماندار و یکه تاز جهان باشد. اما در همان قدمهای اول بعد از جهان دو قطبی از یک قدرت جهانی امر و نهی کننده به قدرتی در کنار قدرتهای دیگر جهان رانده میشود.

در نتیجه این تحولات بود که موقعیت آمریکا حتی در چشم متحدین منطقه ای و سنتی و حلقه به گوش هم پایین آمد. اگر تا قبل از این تحولات در خاورمیانه فقط جمهوری اسلامی در ایران و اسد در سوریه برای آمریکا مشکل ساز محسوب میشدند، امروز متحدین سنتی آمریکا مانند عربستان و ترکیه و مصر و حتی اسرائیل هم به این صف پیوسته اند.

در چنین فضا و موقعیتی است که ما شاهد عروج و ادعاهای روسیه هستیم. اما روسیه تنها نیست. در کنار روسیه غول اقتصادی چین و

عضو شورای امنیت سازمان ملل با قدرت اقتصادی رو به رشد و قدرت نظامی غیر قابل حذف مجموعا در مقابل آمریکا قد علم کرده اند و اروپا هم نمیخواهد همانند دوران جنگ سرد مطیع سیاستهای آمریکا باشد.

با توجه به فاکتورهای فوق دنیا به سمت جهانی چند قطبی میرود. قطبهای جهانی امروز اساسا اقتصادی و به تبع سیاسی و نظامی خواهند بود. همه این قدرتها در چهارچوب نظام سرمایه داری بازار آزاد در رقابت و جدالی سخت با همدیگر بسر میبرند. هر کدام از آنها میخواهند سهم خود را از ثروت و قدرت جهانی افزایش بدهند. این تنها آمریکا است که میخواهد موقعیت سرکردگی خود را احیا کند. اما نه توان اقتصادی آنرا دارد و نه میتواند فقط با اتکا به قدرت نظامی به این هدف برسد.

بنابر این دوره کنونی و یا عصری که از آن حرف میزنیم دوره گذار جهان از یک موقعیت شناخته شده سنتی به شکل سابق، به موقعیتی تازه و ناشناخته است که قطب بندیها و بلوک بندیهای نوینی بوجود خواهد آمد. جهان به سمتی میرود که آمریکا اگر چه هنوز قدرت اول اقتصادی و نظامی دنیا محسوب شود اما روند رو به افولی را طی میکند که ناچار است سهم و منطقه نفوذ دیگر قدرتهای جهانی را بپذیرد.

## پیامدهای جهان چند قطبی

عبور جهان از دو قطب شرق و غرب با مشخصات و تعادل قوای معلوم و شناخته شده سابق در حال گذر به جهان چند قطبی است. طی شدن این دوره گذار همراه است با بحرانها و جنگهای متعددی که اکنون شاهد آن هستیم. این بحرانها و جنگها همزمان اتحادها و افتراقهایی را به دنبال خواهد آورد که بسیاری از آنها حتی قابل پیش بینی نیستند. آنچه روشن و غیر قابل انکار است این است که تامین منافع بورژوازی حاکم در هر کشوری تابع سود و زیان حاکمین آن است. اما این سود و زیان فقط با معیارهای اقتصادی قابل شناخت نیستند. سیاست و قدرت نظامی

فاکتورهای مهم و تعیین کننده ای در این روند میباشند. بورژوازی هر کشوری برای سهم ببری بیشتر از ثروت و قدرت جهانی و منطقه ای، راهی بجز رقابت و حتی جنگ با رقبایش را پیش رو ندارد.

اتحادها و افتراقهای کمپ بورژوازی تابع سود و زیان این طبقه و حاکمان کشوری آن است. اگر ترکیه با سد مخالفت اروپای واحد برای پیوستن به اتحادیه اروپا مواجه میشود و ناچارا واردوغان در مقابل پوتین زانو میزند ناشی از نا امیدی بورژوازی حاکم ترکیه از آمریکا و اعضای ناتو است. اگر عربستان از یک شیخ نشین نگهبان چاههای نفت و مطیع آمریکا، به رقیب خجول سیاستهای غرب تبدیل میشود و چراغ سبز به روسیه نشان میدهد و سیسی را کمک میکند که اسلام اخوانی در مصر را از قدرت ساقط کند و ... ناشی از ضعف آمریکا و همزمان ترس از آینده ای است که ممکن است حاکمان آمریکا برایش رقم بزنند.

این درست است که گفته میشود حمله آمریکا به صدام حسین و ویرانی کشور عراق و جنگهای خاور میانه و عروج اسلام سیاسی ناشی از سیاستهای آمریکا و متحدینش هستند. اما یک واقعیت بزرگتر را نباید فراموش کرد که آمریکا اگر به عراق و افغانستان هم حمله نمیکرد باید راه دیگری برای اعمال قدرتی خود بعد از جنگ سرد و جهان دو قطبی پیدا میکرد. با تحولی که در اواخر قرن بیست و در ابعاد جهانی در کمپ بورژوازی اتفاق افتاده بود و بلوک راست بورژوازی در غرب پیروز شده بود و بلوک شرق از صحنه کنار رفته بود، این پرچم پیروزی معلوم نبود به دست کدام قدرت خواهد افتاد. آمریکا به حکم قدرت و نقش سنتی اش در مقابل بلوک شرق برای احراز این نقش خیز برداشت. اما در اولین پرش با شکست مواجه شد. موقعیت امروزش ناشی از پیامدهای این شکست است. اوایما و ترامپ هم هر دو حاصل این دوره رویه افول بورژوازی آمریکا هستند.

اکنون آمریکا به موقعیتی رانده شده است که انگلیس دوران بعد از جنگ جهانی اول پیدا کرده بود. اما در فاصله جنگ جهانی اول و دوم بود که انگلیس پذیرفت باید نقش

اول و تعیین کننده آمریکا را برای مقابله با بلوک شرق بپذیرد. اگر آن دوره یعنی فاصله جنگ جهانی اول و دوم دوره افول انگلیس و عروج آمریکا در جهان بود، امروز دوره افول آمریکا و سر بر آوردن قطبهای متعدد سیاسی، اقتصادی و نظامی دیگری در جهان است که موقعیت آمریکا را به چالش طلبیده اند.

روسیه به دلیل نقش سنتی خود در دوره جنگ سرد میخواهد به عنوان یک قدرت جهانی جایگاه برتری نسبت به دوره بعد از بلوک شرق برای خود دست و پا کند. اما نباید نقش مهم اقتصادی و حتی نظامی چین را نادیده گرفت. چین به دلایل مختلفی از موقعیت اقتصادی و تا حدی هم نظامی نسبت به روسیه میتواند نقش برتری را ایفا کند. اما آنچه روسیه را فعلا برجسته تر نشان میدهد نقش سنتی و ادعاهای سیاسی روسیه و نزدیکی به اروپا است. در این روند به هر درجه ای که نقش انرژی فسیلی کمتر و نقش منابع دیگر انرژی برجسته میشود به همان نسبت موقعیت چین بیشتر خودنمایی خواهد کرد. زیرا آمریکا و روسیه به دلیل منابع وسیع گاز و نفت هنوز میتوانند از امتیازات این منابع طبیعی بهره بیشتری ببرند.

اما در این روند فوق الذکر و دوران گذار رقابت قدرتهای منطقه ای و جهانی در سوریه و خاورمیانه نقش مهمی پیدا کرده است. موقعیت برتر روسیه در جنگ و جدال سوریه اکنون قرار است در حلب به عنوان نقطه تلاقی قدرت نمایی همه آنها تعیین تکلیف بشود. تا کنون روسیه و متحدینش با نقشی که روسیه ایفا کرده است برتریشان محرز بنظر میرسد. همین برتری تاریخی روسیه در مقابله با نقش آمریکا و متحدینش باعث شد واردوغان به عنوان عضو ناتو و یکی از قدرتهای نظامی ناتو به فکر جابجایی و فاصله گرفتن از قطب غرب بیافتد. قبلا عربستان با احتیاط بیشتری این روند را آغاز کرده بود. اما تفاوت مهمی در روند جابجایی واردوغان و عربستان وجود دارد.

عربستان عضو ناتو نیست اما متحد غرب است. عربستان مستقیم و بی ملاحظه همانند ترکیه به کمپ روسیه نزدیک نشده است. رقابت عربستان با جمهوری اسلامی

و ناخشنودیش نسبت به توافق برجام عامل اصلی فاصله گرفتن و نگرانی از غرب است. اما واردوغان و دولت ترکیه به عنوان یک عضو ناتو و متحد غرب، در جنگ سوریه و پیامدهای آن به این نتیجه رسیدند که غرب برخلاف منافع و امیال آنها عمل کرده است. در بحرانهای داخلی و جریان کودتای ناموفق اواسط سال ۲۰۱۶ هم متوجه شد آمریکا و غرب اگر مستقیم هم دخالت نداشته باشند چندان هم ناخشنود از کودتا نبودند. این اتفاقات باعث شد که دولت ترکیه بویژه واردوغان به فکر نزدیک شدن به روسیه بیافتد. روسیه هم با آغوش باز از این سیاست دولت ترکیه استقبال کرد.

چنانچه در جنگ و بحران اخیر حلب بدون نقش دولتهای غربی، ترکیه و روسیه با نقش حاشیه ای تر جمهوری اسلامی و اسد توانستند به توافقاتی برسند و آنرا اجرا کنند. به احتمال زیاد این روندی که در سوریه آغاز شده است و ترکیه و روسیه نشان دادند میتوانند توافقاتی را بدون دخالت آمریکا و غرب در سوریه پیش ببرند، احتمالا مذاکرات بعدی برای سازش اپوزیسیون و دولت اسد در همین راستا و با نقش اصلی ترکیه و روسیه و هماهنگی با جمهوری اسلامی اسد ادامه پیدا میکند. در این راستا توافق اسد و جمهوری اسلامی هم محرز بنظر میرسد زیرا همه آنها در عین حال خواهان حفظ مرزهای کنونی سوریه میباشند، نمیخواهند آمریکا و غرب در پایان دادن بحران سوریه نقش اول را بازی کنند.

برای ترکیه و روسیه این یک فاکتور مهم است. زیرا ترکیه نمیخواهد همسایه جنوبییش حاکمیتی به رهبری و قدرتیگری نیرویی مانند حزب پ.ی.د. که خود را متحد پ.ک.ک میدانند باشد. زیرا هم ترکیه و هم روسیه معتقدند که آمریکا امروز میخواهد با قدرتمند کردن پ.ک.ک در مقابل داعش به این هدف برسد که فردا برای تشکیل یک کشور در شمال سوریه از آنها استفاده کند. ترکیه بشدت نگران این نقش آمریکا است. زیرا هم منافع سیاسی و اقتصادی خود را در خطر میبیند هم چهارچوب کشوری موجود ترکیه میتواند در قدمهای بعدی تغییر کند و بخش کرد نشین

## نقده نرفت قومی - مذهبی دوران سپری شده! یا خطری در دست مشترک قومپرستان و جمهوری اسلامی؟!\*



نسان نودینیان

در اخبار چند هفته گذشته بحث تشدید تفرقه توسط عوامل جمعی اسلامی در نقده دیده میشود. خبر تشدید تفرقه برای مردم نقده تهدیدی جدی است. اما جلوگیری از تفرقه قومی امکان پذیر، و قابل خنثی شدن به نفع حقوق یکسان و برابر ساکنین شهر نقده و روستاها است.

بستر اصلی دامن زدن تفرقه قومی جمهوری اسلامی است. در نقده سپاه پاسداران همه کاره است و "مدیریت" شهر را عهده دارد، تحت فرماندهی و "مدیریت" تعدادی جنایتکار اسلامی در نهادهای نظامی و شورای شهر توسط سپاه پاسداران زندگی مردم در کنترل پلیسی است، هم سرنوشتی و حقوق برابر ساکنین این شهر با تهدید و نمایش های مذهبی - قومی رقم میخورد.

نزدیک به ۴ دهه قبل مردم شهر نقده جنگ قومی - مذهبی در این شهر را تجربه کرده اند. ملاحسنی با حمایت فرماندهی ارتش «سرهنگ قاتل ظهیرنژاد» به شهر نقده که تحت کنترل نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران بود حمله کرد. ۳۱ فروردین ماه سال ۱۳۵۸ جنگی خونین شروع شد که تحرك عرق ملی و ناسیونالیستی با تحريك مزخرفات مذهبی آتش این درگیری را خونین کرد.

از آندوره بیش از ۴ دهه سپری شده، ترکیب جمعیتی و نسلی شهر هم تغییرات دگرگون کننده ای داشته است. احزاب اپوزیسیون و مخالف

جمهوری اسلامی از این منطقه دور شده اند، آنچه‌ی که ماندگار شده و آتش تحرك قومی - مذهبی را خاموش نکرده اند حضور فعال عناصر جمهوری اسلامی در این شهر هستند.

جایگزینی حق شهروندی مساوی برای ساکنین شهر نقده با منصوب کردن ساکنین این شهر به کردهای اهل تسنن و آذری های اهل تشیع آتش زیرخاکستر دامن زدن بتفرقه قومی و نژاد پرستی است. مردم این شهر سال ها متممادی و طولانی است که با هم بدون تفاوت های قومی - مذهبی زندگی مشترک را تجربه کرده اند.

با حضور نکبتبار و خونین جمهوری اسلامی در مناطق نقده و اشونیه آتش تفرقه و نفرت قومی - مذهبی افروخته شد. "چمران" قاتل و جنایتکار حرفه ای و نماینده خمینی جنایتکار برای نهادینه کردن تفرقه قومی از روز اول ورودش به نقده تز «نقده دروازه آذربایجان» است را مطرح و عملا مرزهای ساکنین کرد زبان و ترک زبان را با این گفتمان تشدید کرد که حاصل این گفتمان جنگ نقده و حمله عوامل جنایتکار ملاحسنی به مردم در این مناطق، قتل عام مردم قارنا و قلاتان و ده ها درگیری نظامی و خونین دیگر.

اخیرا توسط سه نفر از اعضای "شورای" شهر نقده وابسته به سپاه پاسداران تعدادی از مجسمه های نمادین نرک های آذری در میادین اصلی شهر نصب شده است. این اقدام تحريك آمیز عناصر شورای شهر با حمایت سپاه پاسداران انجام شده که موجبات نارضایتی و اعتراض بحش های بیشتری از ساکنین شهر را فراهم کرده است.

تبدیل ساکنین شهر مردمان اهل تشیع و مردمان اهل تسنن عامل اصلی تفرقه قومی است. تا زمانیکه مذهب و اسلام سیاسی در حاکمیت است، ملاحسنی ها و

اوباش اسلامی اداره امور شهر و جامعه را در دست دارند و ساکنین شهر نقده بر مبنای مذهب (شیعی و یا سنی) تقسیم میشوند، تفرقه قومی بالقوه تهدیدی جدی است.

سیاست و گفتمان های ارتجاعی نفرت قومی - مذهبی را باید کنار زد. اکثریت قریب به اتفاق ساکنین شهر و روستاهای نقده مخالف وجود نظام اسلامی هستند. سرنگونی طلبی نیروی جدی جامعه است. مخالفت با سیاستهای جمهوری اسلامی، اعتراض و نارضایتی عمومی است. شهرها به کانون مبارزه برای تامین معیشت و مبارزه برای رفاه و حقوق مناسب و تامین زندگی بالای خط فقر درآمده است. به هر درجه شعارهای همه گیر رفاهی و امنیت جانی و شغلی بیشتر میشود، عرصه تحرك برای تفرقه قومی - مذهبی و ناسیونالیستی محدود میشود.

اقدامات عناصر شورای شهر و سپاه پاسداران با گذاشتن مجسمه های نمادین اقدامی آگاهانه برای ایجاد اغتشاش و درگیری درون جامعه شهری نقده است. نسل جوان امروز میتواند با پتانسیل بالایی علیه این نوع اقدامات دخالت کند. ابتکارات اجتماعی، فعالیت های مدنی و اجتماعی عرصه های کارساز نزدیک شدن و همسرنوشت شدن ساکنین شهر نقده است.

سعادت و خوشبختی جامعه ما برای دستیابی به امنیت و خوشبختی در گرو سرنگونی رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی است. در غیاب یک رژیم استبداد مذهبی که ساکنین شهر و روستاها را به قومی و مذهبی تقسیم میکند، مردم خوشبخت و با عزت و کرامت انسانی مناسبات خودشان را تنظیم میکنند.

۳۰ آذر ۱۳۹۵

۲۰ دسامبر ۲۰۱۶

## از صفحه ۲ تصرف حلب و رقابت دو ...

نفوذ آنها برسد. یکی از تبعات این سیاست و دست بکار شدن ترامپ در کاخ سفید به احتمال زیاد این خواهد بود که برای راضی کردن ترکیه موقعیت نیروهای مسلح کردستان سوریه را تضعیف کند و نگرانی ترکیه و روسیه از تجزیه سوریه را برطرف نماید. اما کلید این توافقات فرمول مشخصی نیست که ترامپ بتواند فوری آنرا اجرا کند. موقعیت تضعیف شده آمریکا و پذیرش آن برای بورژوازی حاکم بر آمریکا براتی قابل هضم نیست. بنابر این ترامپ هر نیتی که داشته باشد و هر سیاست سازشی که با رقبایش در پیش بگیرد نمیتواند مانع تند شدن جدال رقبای آمریکا بشود.

در میان جدال قدرتها و جناحهای بورژوازی با همدیگر آنچه برای ما کمونیستها و طبقه کارگر از اهمیت درجه اولی برخوردار است نه جنگ و جدال بورژوازی و ضعف و قدرت هر کدام از آنها، بلکه زندگی، رفاه، امنیت مردم و آینده کره زمین و آزادی شهروندان جهان است. تحمیل فقر و ویرانی به آحاد جامعه و تخریب کره زمین از جانب حاکمان منطقه و بورژوازی جهانی باید یک نگرانی واقعی بشریت آزادیخواه جهان باشد. برای مقابله با این روند تخریب و ویرانی و کشتار باید چاره اندیشی کرد.

عدم امنیت مردم و جنگهای قومی مذهبی و فقر و فلاکت و آوارگی و هزاران مصیبت دیگری که به جامعه بشری تحمیل شده است، خطر و مصیبتی است که بورژوازی شامل همه قطبهای جهانی و منطقه ای آن، برای شهروندان جهان ببار آورده اند. ما به عنوان محرومان و استثمار شدگان این جهان بیرحم ناچاریم برای مقابله با این نظم خونین و بیرحم به میدان بیاییم. بشریت متمدن برای رهایی از جهنمی که حاکمان درست کرده اند راهی بجز مقابله با آنها ندارد. \*

ترکیه تشویق بشوند کشوری مستقل از ترکیه امروز را شکل بدهند.

روسیه هم میدانند با اجرایی شدن این نقشه احتمالی آمریکا در شمال سوریه هم سوریه متحد او تضعیف میشود و هم امکان ارسال گاز و نفت کردستان عراق از این راه و از طریق دریای آزاد به اروپا میتواند چالش بزرگی برای روسیه باشد. زیرا اکنون بخش قابل توجهی از گاز و نفت مورد استفاده کشورهای اروپایی از روسیه خریداری میشود. طبقا جمهوری اسلامی و دولت سوریه هم مخالف چنین طرحی در شمال سوریه هستند. بنابر این معلوم است چرا ترکیه و روسیه مستقل از نقش آمریکا و دولتهای غربی تلاش میکنند بحران و جنگ سوریه را مدیریت کنند.

### سیاست آمریکا در بحران خاور میانه بعد از بوش

اوباما وارث نتایج و پیامدهای موقعیت تضعیف شده آمریکا و سیاستهای مخرب و شکست خورده بوش بود. او تلاش کرد آمریکا را از منجلاب عراق بیرون بکشد. اما با بیرون رفتن از عراق اوضاع چنان غیر قابل کنترل شد که یک دور دیگر ناچار شد قدم به قدم به عراق بازگردد. اکنون حدود ۵۰۰۰ نفر نیروی نظامی آمریکا به عراق بازگشته و قرار است بزودی این تعداد به دوبرابر افزایش یابد. آمریکا در جنگ علیه داعش و شکل دادن به نقشه های خود اکنون اتکانش به نیروی هوایی است. معلوم است که هم در عراق و هم در سوریه سیاستهای اوباما بی نتیجه بوده و ترامپ از این وضع راضی نیست.

اینکه ترامپ چکار خواهد کرد خودش هم نمیدانند. اما به احتمال زیاد ناچار است به توافقی با روسیه و ترکیه برسد و مسئله سوریه را وارد دوره سازش اپوزیسیون و اسد بکند. گرایش ترامپ به سمتی است که با روسیه و ترکیه به توافقاتی بر سر منطقه

زنده باد انقلاب انسانی!  
برای جامعه ای انسانی!

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،  
بدون امید سوسیالیسم و  
بدون "خطر" سوسیالیسم منجلابی بیش نخواهد بود.

## یادداشتهای هفته

عبدل گلپریان

## حلب آشوتس قرن بیست و یک!

نام دولتها و سیاستمدارانی که در قرن بیستم بعنوان منفورترین و جنایتکارترین افراد و دولتها در خلق جنایت علیه بشریت ثبت شدند همچنان و تا نسلهای بعدی ماندگار خواهد بود.

در قرن بیست و یک نیز شخصیتها و دولتهایی مدال جنایت علیه انسانیت را بگردن آویختند که سیاست و عملکرد آنان فراتر از هلوکاست قابل توضیح است.

در تاریخ کتب سوسیالیستی آینده نام دولتهای آمریکا، روسیه، دول غربی و مقامات شان و دیگر پادوهای اسلامی آنان در خاورمیانه، بعنوان دولتها و سیاستمدارانی مورد اشاره قرار خواهند گرفت که سیاستها و عملکردهای آنان قابل مقایسه با عصر بربریت هم نخواهد بود.

وقوع همه جنایاتی که امروزه توسط ژاندارمهای جهانی و منطقه ای از قبل سیاستهای شکست خورده شان در شرف وقوع است تنها بخاطر حفظ نظم گنبدیده سود و سرمایه است. از قبل این سیاستهای شکست خورده، اسلام و اسلام سیاسی را به کمک گرفتند، تروریسم دولتی و اسلامی را سازمان دادند و برای کویبیدن انقلاب مدرن و متمدنانه مردم سوریه سلاحهای کشتار جمعی را بطور شبانروزی بر سر مردم بیدفاع حلب و مردم دیگر شهرهای سوریه ریختند. تمام این تلاشها برای بیرون کشیدن سیستم به بن بست رسیده و در لجن گیر کرده نظام سرمایه داری است.

نیازی نیست هیتلر و هیتلرهای دیگری برای تامین حاکمیت بر جهان و تامین سود و توحش ظهور کرده و دنیا را به آتش و خون بکشانند. در مقابل چشم جهانیان و توسط دولتهای دخیل در اوضاع منطقه با پیشرفته ترین سلاحهای تولید شده، انسان و انسانیت را در کوره های آدم سوزی شهرها قتل عام میکنند. قتل عام انسانها، با خاک یکسان کردن سرینها مردمی که برای تحقق یک زندگی انسانی تلاش میکنند روی هلوکاست را سفید کرده است.

وجود بربریت حاضر، وجود توحش و آدمکشی قدرتهای جهانی و منطقه ای، خلق این همه تباهی که نسل حاضر دارد به چشم خود می بیند، همه و همه ناشی از بن بست و بحران و سردرگمی نظام سرمایه داری و بخاطر هراس و وحشت از سوسیالیسم و عدالت اجتماعی است. پایان دادن به این همه وحشی گری کار مردم متمدن و مترقی در سراسر جهان است.

اما یک پای شریک و ثابت در خلق این همه جنایت در منطقه، اسلام و اسلام سیاسی و در راس آن جمهوری اسلامی است. ظهور کپک زده ترین جریان اسلامی در ایران با حمایت دول غربی و در هراس از سوسیالیسم و آزادیخواهی، متعاقب آن سر بر آوردن انواع جانوران اسلامی تروریست و آدم کش در منطقه و حمایت دولتها از این باندها و دستجات، یکی دیگر از عوامل اوجگیری این همه تباهی در منطقه است. بزیر کشیدن این هیولای اسلامی توسط انقلاب مردم در ایران میتواند ورق را برگرداند.

۱۴ دسامبر ۲۰۱۶

## دادستان تهران در بازار عطر فروشان

گویند دباغی وارد عطر فروشی شد و گفت: "وای چه بوی گندی".  
دادستان زیبای مثنوی معنوی که مصداق این موضوع است در انتهای نوشته آمده است.

"عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، روز چهارشنبه ۲۴ آذر از دستگیری ۱۲۰ زن و مرد در یک کافی شاپ در پایتخت ایران خبر داد و بازداشتشدگان را به "فساد" متهم کرد. به گفته وی، "در این مراسم ۱۵ بطری مشروبات الکلی کشف شده و ۱۵ نفر از متهمان نیز در حالی که مست بوده اند دستگیر شدند" و در نهایت "از ادامه فعالیت کافی شاپ جلوگیری شده است." در ماه های اخیر، گزارش های متعددی

از بازداشت های دسته جمعی شرکت کنندگان در مهمانی های مختلط در شهرهای مختلف ایران منتشر شده که در پاره های موارد این بازداشت ها با اجرای حکم شلاق همراه بوده است. اوایل خرداد سال جاری، مقامات قضایی قزوین اعلام کردند که ۳۵ دختر و پسر جوان در این شهر به جرم حضور در یک مهمانی بازداشت و بلافاصله با ۹۹ ضربه شلاق مجازات شده اند. همچنین ۱۵۰ دختر و پسر جوان نیز اوایل مرداد ماه در یکی از باغ های محدوده اسلام شهر در جنوب تهران بازداشت شدند که مقامات نیروی انتظامی تهران، آنان را به "تلاش جهت ساخت کلیپی برای شبکه های ماهواره ای" متهم کردند. عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، این قبیل بازداشت ها را "وظایف ذاتی دادستانی" می داند و از آن به عنوان "مقابله با مفساد" نام می برد.

موارد فوق تنها به آندسته از مجالسی مربوط است که توسط نیروهای کارگاه دباغی عباس جعفری دولت آبادی کشف شده اند. پیشتر در شهرهای مشهد، قم، اصفهان و بسیاری دیگر از شهرهای ایران عملیات تسخیر مجالس مهمانی از سوی ماموران مبارزه با "فساد" در روزنامه های داخل ایران منتشر شده اند.

همانطور که ملاحظه کردید، ماموران کاربدستان دادستانی تهران که شغلی جز دباغی برایشان قابل تصور نیست، با چوب و چماق به مراسم جشن و شادی مردم یورش میبرند و شرکت کنندگان در این مجالس را با سبک و سنت اسلامی مورد ضرب و شتم و صدور حکم زندان مواجه میکنند و با همان شلاقهایی که در کارگاه دباغی تولید کرده اند آنان را مورد ضرب و شتم قرار میدهند.

اینگونه مجالس را جمهوری اسلامی بیش از سه دهه است از مردم محروم کرده است. اما مردم تره هم برای تهدیدات مقامات و دستگاههای سرکوب و تفتیش رژیم خورد نکرده و با تداوم مهمانیها، مجالس شاد همراه با رقص و پایکوبی هر روز ابعاد گسترده ای به آنها می بخشند. از آنجا که "وظایف ذاتی و اسلامی دادستانی" حکومت حکم میکند این مجالس و مهمانی

ها را "فساد" بنامد، حس ذاتی و موجودیت مردم نیز حکم میکند که با شادی و رقص، با نشاط و خوشی، آمیختگی با موسیقی، لذت بردن در کنار هم و در یک کلام تامین یک زندگی مملو از سعادت، کرامت و خوشبختی را برای خود خلق کنند و این یعنی پدیده ای داده شده در ذات و جوهر انسان که با اسلام و حکومت اسلامی در تعارض کامل قرار دارد.

فسیل ها و مجریان قوانین و فرامین اسلامی برای بقای خود، منشا و خواستگاه ذات انسان را مورد تعرض و یورش قرار میدهند چرا که جمهوری اسلامی از بدو ظهورش تا به امروز بدون توسل به توحش علیه نیازهای واقعی مردم ابدًا قادر نمیشد یک روز هم دوام بیاورد.

در دنیای وارونه کنونی برای اسلام و حاکمان اسلامی، شادی و نشاط، مهمانیهای دسته جمعی جوانان، مشروب خوردن و رقصیدن و بالاخره لذت بردن از حضور اجتماعی مردم در کنار هم یعنی "فساد". و این همان حضور دادستانی در مغازه عطر فروشی ما است.

در آنسو و در کارگاه تفکر و سنت متعفن اسلامی علیه طبیعی ترین خواستگاههای مردم، زدی، چپاول، حقوقهای نجومی و میلیاردری در میان گردن کلفت ترین دست اندر کاران حکومت، یعنی ارتقاء پست و مقام مفتخورانی که جامعه ای را به تباهی کشانیده اند و این یعنی ذات و جوهر اسلامی کاربدستان دزد و مفتخور حاکم بر ایران. موجودیت اسلام و قوانین حاکم در جمهوری اسلامی تعرضش تنها مختص به مجالس مهمانی مردم نیست بلکه در تمام شئون زندگی مردم به همین منوال در تناقض آشکار با آرمان و آرزوهای واقعی آنان قرار دارد. اسلام و جمهوری اسلامی و کاربدستانش را تنها میتوان در هیبت یک درصد ۹۹ درصد مردم را در جستجو و تامین مکانهایی آمیخته با عطر و بوی خوش مشاهده نمود. مردم ایران با فروپاشاندن این لانه دباغی که بوی تعفن آن کل منطقه را فرا گرفته است، جامعه ای زیبا مملو از عطر

فروشی در ایران را بنیاد خواهند نهاد.  
خواندن داستان کوتاه زیر از ( مثنوی معنوی ) خالی از لطف نیست. این داستان بخوبی مصداق وضع و حال امروز مفتخوران اسلامی حاکم بر ایران است.

۲۵ آذر ۹۵

.....

مرد دباغ و بازار عطر فروشان داستانی زیبا از مثنوی معنوی روزی مردی از بازار عطر فروشان می گذشت، ناگهان بر زمین افتاد و بیهوش شد. مردم دور او جمع شدند و هر کسی چیزی می گفت، همه برای درمان او تلاش می کردند. یکی نبض او را می گرفت، یکی دستش را می مالید، یکی کاه گل تر جلو بینی او می گرفت، یکی لباس او را در می آورد تا حالش بهتر شود.

دیگری گلاب بر صورت آن مرد بیهوش می پاشید و یکی دیگر عود و عنبر می سوزاند. اما این درمانها هیچ سودی نداشت. مردم همچنان جمع بودند. هرکسی چیزی می گفت. یکی دهانش را بو می کرد تا ببیند آیا او شراب یا بنگ یا حشیش خورده است؟ حال مرد بدتر و بدتر می شد و تا ظهر او بیهوش افتاده بود. همه در مانده بودند.

تا اینکه خانواده اش باخبر شدند، آن مرد برادر دانا و زیرکی داشت و فهمید که چرا برادرش در بازار عطاران بیهوش شده است، با خود گفت: من درد او را می دانم، برادرم دباغ است و کارش پاک کردن پوست حیوانات از مدفوع و کثافات است. او به بوی بد عادت کرده و لایه های مغزش پر از بوی سرگین و مدفوع است.

کمی سرگین بدبوی سگ برداشت و در آستینش پنهان کرد و با عجله به بازار آمد. مردم را کنار زد، و کنار برادرش نشست و سرش را کنار گوش او آورد بگونه ای که می خواهد رازی را برادرش بگوید. و با زیرکی طوری که مردم نبینند آن مدفوع بد بوی را جلو بینی برادر گرفت. زیرا داروی مغز بدبوی او همین بود. چند لحظه گذشت و مرد دباغ بیهوش آمد. مردم تعجب کردند و گفتند این مرد جادوگر است. در گوش این مریض افسونی خواند و او را درمان کرد.

## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطف الهی



### زنان فقرونده ناگزیر از رها کردن نوزادانشان می شوند

فقر و محرومیت مادران در ایران باعث شده تا مجبور به رها کردن فرزندان خود و تحمل فشار سنگین روحی آن گردند. زیبا مجرب، مسئول دفتر کودکان بی سرپرست گفت: "ماهانه ۶۰ کودک رها شده در مشهد تحویل بهزیستی می شود..."

### کاهش ولادت، فوت و ازدواج / افزایش طلاق

مدیرکل ثبت احوال استان از کاهش ۷ درصدی ولادت و افزایش ۶ دهم درصدی طلاق در ۸ ماه گذشته خبر داد. به گزارش صدا و سیما مرکز کردستان، مدیرکل ثبت احوال استان روز دوشنبه ۲۹ آذر در جمع خبرنگاران استان گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون ۱۰ هزار و ۷۷۲ واقعه ازدواج در استان به ثبت رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷ دهم درصد کاهش نشان می دهد.

محسن آقایی افزود: در همین مدت ۲ هزار و ۶۵۵ واقعه طلاق در استان به ثبت رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۶ دهم درصد افزایش نشان می دهد. وی افزود: شهرستانهای قروه، سقز، مریوان بیشترین و سروآباد و بیجار و بانه کمترین میزان طلاق در استان را به خود اختصاص داده اند. مدیرکل ثبت احوال استان همچنین افزود: شهرستانهای سروآباد، بیجار و قروه کمترین و بانه، مریوان و دهگلان بیشترین واقعه ولادت را به ثبت رسانده اند. آقایی با اشاره به وقوع ۱۴ هزار فوت در ۸ ماه نخست سال جاری افزود: نرخ فوت در این مدت نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۳ درصد کاهش داشته است.

**مادران قیام در مراسم سالگرد مصطفی کریم بیگی**  
جمعی از مادران قیام روز جمعه

به فتوا است." او گفته که آن‌ها "گمان می‌کنند با جو سازی و گفتو گو می‌توانند نظریه ققیه را تغییر دهند این اشتباه است." مکارم شیرازی در خصوص ازدواج دختران زیر ۱۳ سال که با اذن ولی و مجوز دادگاه انجام می‌شود، پاسخ داده و گفته است که: "من این اجازه را نمی‌دهم. ممکن است در گذشته‌ها نیز جایز بوده باشد اما الان به دلیل مفاسدی که دارد جایز نیست و تا دختر به بلوغ عقلی نرسد اجازه ازدواج ندارد."

این در حالی است که ازدواج کودکان در حال حاضر ۴۳ هزار مورد ازدواج دختر بچه‌های ۱۰ تا ۱۵ ساله در کشور وجود دارد که از این تعداد ۲ هزار دختر بچه و پسر بچه از همسر خود جدا شده یا بیوه شده‌اند.

اظهارات زهرا سجادی عقب مانده تر از فتوای مکارم شیرازی در رابطه با سن ازدواج است.

اگر مکارم شیرازی طی سالهای گذشته و در اثر واکنشهای اعتراضات اجتماعی مردم ناچار به چنین فتوایی شده است اما زهرا سجادی همچنان بر طبل ضد کودک قوانین عصر حجر ازدواج کودکان در سنین پایین می‌کوبد.

### زن ستیزی در سینما و تلویزیون جمهوری اسلامی، استمرار یک رویه

مهران مدیری، اخیراً در برنامه طنز تلویزیونی "دوره‌می" با تمسخر مردانی که حق طلاق به همسرشان می‌دهند، آن‌ها را "جوگیر" نامید. اظهارات او با واکنش کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شد. تمرکز این واکنش‌ها بیشتر بر به رسمیت شناختن حق طلاق برای زنان بود. اما مساله فقط به تمسخر گرفتن این حق در یک برنامه رسمی تلویزیونی نیست؛ بلکه این اظهارات پیوستگی تاریخی با موج زن‌ستیزانه سینما و تلویزیون در جمهوری اسلامی دارد. مهران مدیری، زن را مطابق آنچه که در ساخته‌های گذشته‌اش وجود داشت تصویر کرد و با این اظهارات، مهر تایید دیگری بر موج زن‌ستیزانه سینما و تلویزیون جمهوری اسلامی گذاشت.

\*\*\*

## نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رضاعلی

ناچار تن به این کار داده و به کولبری می‌پردازند. اگر دولت بابت ۳۰۰ هزار نفر کولبر شغل تعریف کند و آنان را تحت پوشش بیمه قرار دهد، آنان به این کار دست نمی‌زنند. تقریباً از ۲۰ سال پیش اشتغالی به نام کولبری در مناطق غرب کشور ایجاد و به تدریج رواج یافت. به طوری که در برخی از مناطق اقتصاد ۸۰ درصد از این خانوارها را تشکیل می‌دهد. یک وکیل دادگستری احمدی نیاز می‌گوید: "کولبری کاری اجباری ناشی از

بیکاری و عدم توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق مرزی غرب کشور است. "آجناسی که کولبران حمل می‌کنند غیرقانونی نیستند. بیشتر آجناسی که کولبران حمل می‌کنند، اجناس مصرفی خانگی یا قطعات یدکی خودرو و یا کالاهایی است که در داخل کشور مصرف می‌شوند. کولبر به ماهیت این کالاها توجهی ندارد بلکه بر کالایی که در قبال آن مزدی دریافت می‌کند نگاه می‌کند.

کولبر مسئولیت تامین و تهیه محتوا و ماهیت کالایی که حمل می‌کند را ندارد و فقط مسئول سالم انتقال دادن حجم کالایی هستند که جابه‌جا کردن به آنها سپرده شده است. احمدی نیاز افزود: "از سوی دیگر، کولبر برای امرار معاش جان خود را به خطر می‌اندازد به طوری که تعدادی از آنان بر روی تلخای انفجاری رفته یا از ارتفاع سقوط کرده و یا در برخورد با مین‌های کاشته شده در نوار مرزی که جهت کنترل و حفاظت از مرزهای کشور است مجبور به امرار معاش هستند که حاکی از بی‌گناهی کولبران است."

\*\*\*

### افزایش تهدید امنیتی علیه فعالین مدنی

مریوان؛ یکی از اعضای اصلی کارزار "نه به تانکر مرگ" با نام سامان کریمی به دادگاه کیفری دو شهر مریوان احضار گردید. بوکان؛ اوایل هفته جاری ماموران اطلاعاتی بوکان با یورش به روستای "قره‌گل" از توابع بخش سیمینه، سه تن را بازداشت و با خود به مکان نامعلومی انتقال دادند. هویت یکی از جوانان بازداشتی، "هیوا قادری‌قدم" اعلام شده است.

### شلیک به کارگر کولبر

شنبه ۲۷ آذرماه اکرم رضاعلی کارگر کولبر در مرز ثلاث باباجانی از سوی نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی مورد اصابت گلوله قرار گرفت که در نتیجه منجر به مجروح شدن وی شد. اکرم رضاعلی اهل روستای "ازگله" شهرستان ثلاث باباجانی بوده است.

### محکومیت سحر فیضی به ۱۸ ماه زندان

بسیست و نهم آذرماه، دادگاه انقلاب شهرستان سقز برای سحر فیضی حکم ۱۸ ماه زندانی تعزیری صادر کرد. سحر فیضی به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" دستگیر و زندانی شده است. سحر فیضی دانشجوی دانشگاه تبریز روز ۲۳ تیرماه امسال از سوی نیروهای وزارت اطلاعات در منزل پدری‌اش در سقز بازداشت و چهارماه بعد با تودیع وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی موقتاً آزاد شده بود.

### تعداد ۳۰۰ هزار کولبر نیازمند شغل و بیمه

خبرگزاری هرانا - کولبران دارای خانوارهای پرجمعیت و فاقد شغل و زمین کشاورزی هستند، پس به

**لغو اتهام امنیتی یعنی آزادی اعتصاب و تجمع، آزادی تشکل، آزادی بیان و اعتراض.**

**این یک خواست محوری در مبارزات بخش‌های مختلف مردم علیه فقر و محرومیت و بی‌حقوقی علیه مفتخوران و جنایتکاران حاکم است.**

## عملیات تروریستی در اردوگاه حزب دمکرات کردستان را محکوم میکنیم

حاکم این منطقه میخواهیم عاملان و آمران این عمل تروریستی را به مردم معرفی کند.

در کردستان عراق تا کنون حکومت جنایتکار اسلامی، هر جا که امکانش را داشته از اپوزیسیون و مردم معترض و فعالین سیاسی ضدحکومت اسلامی ترور کرده و سعی در ایجاد فضای وحشت حتی در کردستان عراق کرده است. انفجار بمب در مقابل دفترسیاسی یک حزب اپوزیسیون حکومت اسلامی در ادامه جنایات تا کنونی این حکومت و در حقیقت گسترش دادن آدمکشی های این حکومت است. ما از مردم کردستان عراق و از همه سازمانهای مخالف حکومت اسلامی میخواهیم متحدانه در مقابل این جنایات ایستاده و مانع گسترش تروریسم اسلامی در کردستان عراق بر علیه احزاب اپوزیسیون و فعالین سیاسی شوند.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ دسامبر ۲۰۱۶

طبق گزارشات منتشر شده غروب روز ۲۰ دسامبر ۲۰۱۶ دو بمب با فاصله چند دقیقه در اردوگاه حزب دمکرات کردستان ایران و نزدیک مقر دفتر سیاسی این حزب در شهر کویه واقع در کردستان عراق منفجر شده است. تا کنون پنج پیشمرگ حزب دمکرات و یک نفر از نیروهای امنیتی کردستان عراق جان باخته اند و چهار نفر زخمی شده اند که حال یکی از زخمیها وخیم گزارش شده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران این عمل تروریستی را محکوم میکند. بدون شک عملیات بمبگذاری و تروریستی علیه اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی باید از جانب همه جریانهای سیاسی اپوزیسیون محکوم شود. تا کنون همه شواهد نشان میدهد که این عمل تروریستی کار عوامل تروریست جمهوری اسلامی است.

ما ضمن تسلیت به خانواده جانباختگان این واقعه تروریستی و آرزوی بهبودی زخمیها، از حکومت منطقه ای کردستان بویژه اتحادیه میهنی به عنوان

## مرتضی مراد پور باید آزاد شود!

مرتضی مراد پور باید آزاد گردد و به آغوش خانواده اش برگردد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن شدید به بند کشیدن انسانها به خاطر عقاید و فعالیت سیاسیشان، مبارزه برای آزادی همه زندانیان عقیدتی و سیاسی را یک وجه مهم رها شدن از سلطه حکومت اسلامی و رسیدن به یک زندگی آزاد و انسانی میدانند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!  
کمیته آذربایجان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۸ آذر ۱۳۹۵  
۱۸ دسامبر ۲۰۱۶

و هر لحظه خطر ایست قلبی، کما و حتی مرگ او را تهدید می کند". او همچنین در یک ویدئو کلیپ اعلام کرده است که در صورت عدم پاسخ به خواست مرتضی، خود و مادرش در مقابل دادگاه تحصن خواهند کرد و در صورت بازداشت آنها هم به اعتصاب غذا دست خواهند زد. آزادی بی قید و شرط بیان و فعالیت سیاسی حق ابتدائی و مسلم هر انسانی است. مسئول مستقیم هر اتفاقی برای زندانیان سیاسی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی است. مسئول مستقیم هر اتفاقی برای مرتضی مرادپور هم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی است.

۵۵ روز از اعتصاب غذای زندانی سیاسی مرتضی مرادپور در زندان مرکزی تبریز میگذرد. او از صبح چهارم آبان ۹۵ در اعتراض به عدم آزادیش بعد از پایان دو سال زندانش به اعتصاب غذا دست زده است.

اخبار حاکی از این است که وضعیت جسمی این زندانی سیاسی هر لحظه وخیمتر میشود و به طور جدی جانش در خطر است.

فردین مرادپور، برادر این زندانی در گفتگو با گزارشگر هرانا گفته است: "وضعیت جسمی و سلامتی او بسیار وخیم است. توان راه رفتن ندارد، نصف کبد و کلیه هایش به طور جدی آسیب دیده و تحلیل رفته،

## به کنگره ما بیایید!

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری در ماه مارس ۲۰۱۷ برگزار میشود  
کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است!

دهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه مارس ۲۰۱۷ به طور علنی در یکی از شهرهای اروپا برگزار میشود. از کلیه علاقمندان به سیاست در ایران، فعالین اجتماعی و دست اندر کاران رسانه ها دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنند.

کنگره فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب، سیاست ها، کادرها، نحوه فعالیت و تصمیم گیری ما در جریان این عالیترین اجلاس حزبی است. از همه شما عزیزان دعوت میکنیم به کنگره ما بیایید.

برای ثبت نام و کسب اطلاعات لازم از جمله هزینه ورودی کنگره با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید:

تلفن تماس: 0046739868051  
[markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party Of Iran

### سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سرفه هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارشان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

کله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتکون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!  
زنده باد سوسیالیسم!  
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: [abdolgolparian1@gmail.com](mailto:abdolgolparian1@gmail.com)

سرتکون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!